

اعتیاد به مثابه مواجهه مخاطره آمیز نوجوانی با چالش‌های

هویتی و عرصه‌های نقش پرداز

(مطالعه کیفی دلایل و شرایط مداخله گر اعتیاد به مواد مخدر در سطح

شهر ایلام)^۱

صدیقه پیری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳

چکیده

پنداشت ایلامی‌ها از اعتیاد، به مثابه یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی مهم در استان است که این تحقیق سعی دارد به روش کیفی به دنبال پاسخگویی به چرایی وقوع آن باشد. سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که مصرف‌کنندگان در شهر ایلام چه روایت‌هایی را از چگونگی درگیری خود به مواد مخدر بیان می‌کنند؟ روش مورد استفاده در این تحقیق کیفی از نوع گراند تئوری است. میدان تحقیق شهر ایلام است. نمونه‌های تحقیق را ۲۵ نفر از مردان ساکن مراکز ترک اعتیاد (۱۹ تا ۳۸ ساله) تشکیل دادند که وقت و توانایی شرکت در تحقیق را داشتند. مهم‌ترین مقولات بدست آمده از تحقیق عبارت‌اند از: اعتیاد به مثابه شورش علیه خانواده؛ اعتیاد به مثابه ضدیت با مدرسه؛ گرایش به مواد حرکتی برای استقلال؛ همنوایی با دیگران مهم؛ تجربه دوگانه دسترس پذیری آسان به مواد و غیر آسان به فضاهای فراغتی؛ معناسازی جذاب برای مواد؛ تجربه دلپذیر آغازین و ناسازگاری با انگاره‌های پیشین؛ اهمال و تأخیر در وقوف خانواده به مصرف فرزندان؛ فقر و جداگزینی مکانی از خانواده؛ قصور خانواده در برخورد منطقی؛ مفیدیت کنشگری عاطفی و تلاش معتاد برای ترک و تکرار چرخه طرد و حذف‌شدگی در جامعه. مقوله هسته نیز «مواجهه مخاطره آمیز نوجوانی با چالش‌های هویتی و عرصه‌های نقش پرداز» است که پوشش‌دهنده سایر مقولات است.

واژه‌های کلیدی: اعتیاد، ایلام، نوجوانی، هویت، مخاطره، خانواده، مدرسه

۱- مقاله حاضر بخشی از یافته‌های طرح پژوهشی است که به سفارش دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان ایلام به انجام رسیده است.

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

به نظر می‌رسد گرایش گسترده به مواد مخدر بخش اجتناب‌ناپذیری از جامعه مدرن باشد. در هر جامعه‌ای همواره افرادی وجود داشته‌اند که به دلایل مختلف از جمله فشار بیرونی یا امیال درونی در پی تجربه امورات ناشناخته‌اند، تجربه‌ای که گاهی چیزی به جز بحران و مسئله برای خود و برای آحاد جامعه به همراه ندارد. جامعه‌شناسان معمولاً مسئله اجتماعی را وضعیت اظهارشده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲: ۱۳). با توجه به تعریف بالا درگیری با مواد مخدر به هر شکل آن را می‌توان یک مسئله اجتماعی دانست. چرا که حجم زیادی از سرمایه‌های انسانی و در نتیجه بخش عمده‌ای از عقل معاش جامعه را زائل و ارزش‌های اخلاقی را نابود می‌کند، پیوندهای اجتماعی را از هم می‌گسلد، بی‌اعتمادی در جامعه را دامن می‌زند، امنیت را در جامعه مختل می‌سازد، کانون بسیاری از خانواده‌ها را در هم می‌شکند، انسان‌های زیادی را قربانی خود می‌کند، افراد زیادی را روانه زندان می‌کند، گرایش به ارتکاب جرائم را تقویت می‌کند، سلامت جسمی، روحی و اجتماعی جامعه را به خطر می‌اندازد و جمع کثیری از مردم و مؤسسات و نهادهای زیادی را درگیر می‌کند. اعتیاد نوعی نابسامانی اجتماعی را به همراه دارد.

بر طبق پیمایش ملی شیوع آسیب‌های اجتماعی (۱۳۹۲) ایلامیان مهم‌ترین مسائل جامعه را در وهله اول بیکاری و اعتیاد (۳۹/۲ درصد از کل پاسخگویی) دانسته‌اند (پیمایش وضعیت مسائل و آسیب‌های اجتماعی ۱۳۹۴: ۵۲). مطابق همین پیمایش، مردم ایلام در خصوص میزان شیوع آسیب‌ها در استان بر این اعتقاد بودند که بعد از فقر، بی‌پولی و بیکاری (۴/۴۳۵) رشوه‌گیری، اختلاس، پارتی‌بازی و باندبازی (۳/۷۰۲)؛ بی‌عدالتی و تبعیض (۳/۶۷۱)؛ مشکل اعتیاد به مواد مخدر (۳/۴۹۴) در این استان جدی است (همان: ۵۰). بر طبق پیمایش ملی آسیب‌های اجتماعی (۱۳۹۴: ۱۶) پنداشت مردم

اعتیاد به مثابه مواجهه مخاطره‌آمیز نوجوانی با ... ۱۶۱

ایلام از موفقیت نظام در حل مشکل اعتیاد ۲۹/۳۴ در تراز ۱۰۰ (ارزیابی مثبت به منفی) است. بیشترین درصد یعنی ۵۸/۳ درصد معتقد بودند که نظام در حل مشکل اعتیاد عملکرد مناسبی نداشته است؛ ۲۸/۷ درصد تا حدودی و ۱۳ درصد نیز این عملکرد را مثبت قلمداد کرده‌اند.

مطالعه حاضر بدون ارائه تبیین علی از بیرون نسبت به پدیده اعتیاد (رویکرد اتیک) در پی آن است که دلایل گرایش به اعتیاد را از منظر خود افراد درگیر (با رویکرد امیک) شناسایی کند. سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که مصرف‌کنندگان مواد مخدر در شهر ایلام چه روایت‌هایی را از چگونگی درگیری خود به مواد مخدر بیان می‌کنند؟

پیشینه تجربی

در حوزه مطالعات اعتیاد در ایران دستمان خالی نیست، حجم زیادی از مطالعات حوزه اعتیاد، مطالعات پیشگیرانه است و عمدتاً به صورت اسنادی یا به روش کمی انجام گرفته است و بر متغیرهایی همانند: خانواده، دین، مدرسه، نقش مثبت سازمان‌های مردم نهاد و برنامه آموزش محور تأکید شده است: (شایگان (۱۳۹۰)؛ فتحی و همکاران (۱۳۹۴)؛ شایگان (۱۳۸۹)؛ حایری کیا و روشنایی (۱۳۹۴)؛ بهراد (۱۳۹۴)؛ زراعتی ایده‌لو و رایزن (۱۳۹۲)؛ لیاقت (۱۳۸۳)؛ جمالی و قربانی (۱۳۸۷)؛ نظری (۱۳۹۳)؛ رضوی (۱۳۹۰)؛ قربانی (۱۳۸۴)؛ داوری و عطوفی‌نیا (۱۳۹۴)؛ یزدی مقدم و اسماعیل آبادی (۱۳۸۷)؛ (حسن‌زاده (۱۳۹۰) میرزاخانی و همکاران (۱۳۹۴) ولدبیگی و انتظامی (۱۳۹۲)؛ عبدالهی و مشتاقی (۱۳۹۳) ایدر و همکاران (۱۳۹۱). محمدخانی و اسدی (۱۳۹۰)؛ (محمدی (۱۳۹۴)؛ صلحی و ابوالفتحی (۱۳۹۲)؛ بحرینی بروجنی و همکاران (۱۳۹۳)؛ رجایی و بیاضی (۱۳۸۵) نوروزی و همکاران (۱۳۸۵) یونسی و محمدی (۱۳۸۵)؛ علیمردانی و احتشامی (۱۳۹۰)؛ خستو (۱۳۸۱)؛ ولدبیگی و انتظامی (۱۳۹۲)؛ عبدالهی و مشتاقی (۱۳۹۳)؛ مسعودی فرید و همکاران (۱۳۹۳) و نیک بخش (۱۳۹۳).

طی چند سال گذشته پژوهشگران حوزه اعتیاد برای بررسی این پدیده، به سمت روش‌های موشکافانه‌تر و عمیق‌تر متمایل شده‌اند. فرخی و شهبازی (۱۳۹۶) در پژوهش کیفی خود نشان می‌دهند که خانواده، خویشاوندان و مصرف محصولات فرهنگی در جریان اعتیاد دانشجویان تهرانی به مصرف ماری‌جوآنا بسیار تأثیرگذار است. دانشجویان درک درستی از عواقب حاصل از مصرف ماری‌جوآنا نداشته و می‌پنداشتند مشکلی برای آنها پیش نخواهد آمد در صورتی که آنها دچار مشکلات متعدد فیزیکی و روانی شده‌اند.

بر طبق مطالعه بوستانی و خواجه دولت‌آباد (۱۳۹۳) گرایش و ابتلا به اعتیاد در میان دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان تحت تأثیر بسترهای تسهیل‌کننده‌ای چون مشاهده، همگشتی و تداول محله‌ای و مکانی مصرف، قبل از ورود آنها به دانشگاه بارگذاری شده و هم ذات‌پنداری، الگوپذیری و عادی شدن ذهنیت مصرف مواد در چنین بسترهایی در اعتیاد آنها نقش بسزایی داشته است.

فسایی و جهاندار (۱۳۹۸) در مطالعه خود بر روی زنان درگیر اعتیاد به این نتیجه رسیدند که هیجان‌خواهی، کنجکاوی، وابستگی، خشونت دیدگی، اعتراض و مقاومت، انزوا و رهایی از فشار مهم‌ترین علل گرایش آنان به اعتیاد است.

نتایج یافته‌های پژوهش مدبرنیا و همکاران (۱۳۹۲) بر روی مصرف‌کنندگان مواد مخدر در رشت در دو مقوله کلی «انگیزاننده‌های درونی» و «مشوق‌های بیرونی» نام‌گذاری شده است. کسب آسان منافع‌های روانی و جسمی، شخصیت لذت‌طلب، روحیه کنجکاو، تمایل به متفاوت بودن، نداشتن مهارت زندگی، شرایط فرهنگی، وضع اجتماعی و عوامل اقتصادی از جمله زیرطبقات مرتبط با دو مقوله اصلی شناسایی شدند.

نتایج مطالعه سراج‌زاده و عزیززاده (۱۳۹۳) که با استفاده از مصاحبه با مطلعان شهرستان رودبار جنوب به انجام رسیده، نشان می‌دهد که رسوم و سنت‌های محلی، مشکلات نظام اقتصادی و معیشتی، ارزیابی مثبت از مواد، ارزیابی منفی با غلبه ارزیابی مثبت، پایین بودن شناخت و آگاهی، دسترسی آسان، فقدان امکانات لازم برای اوقات

اعتیاد به مثابه مواجهه مخاطره‌آمیز نوجوانی با ... ۱۶۳

فراغت، فقدان کنترل انتظامی مؤثر و بسترهای اکولوژیک منطقه ازجمله مهم‌ترین مقولات مهم مرتبط با مصرف مواد مخدر در منطقه به شمار می‌روند، مقوله‌هایی که به نظر نگارندگان تبیین‌کننده چنین وضعیتی است "بهنجار بودن موقعیتی" نام‌گذاری شده است.

پرویزی و همکاران در مطالعه خود بر روی ۴۱ نوجوان سالم تهرانی به این نتیجه دست یافتند که رهایی از مشکلات و بی‌خیالی، احساس بزرگی و قدرت، جبران محدودیت‌های اجتماعی، نداشتن کار و تفریح، تمایل به هنجارشکنی و کنجکاوی از جمله دلایل گرایش به اعتیاد به شمار می‌روند.

همانطور که نشان داده شد، در برخی مطالعات کیفی، یافته‌ها با گروه‌هایی غیر از مصرف‌کننده‌های مواد مخدر جمع‌آوری شده است (همانند نوجوانان سالم و مطلعین)، پژوهشگران برخی مطالعات، از محافل آکادمیک غیر علوم اجتماعی بوده‌اند (همانند گروه‌های پرستاری و روانشناسی) و گروه‌های هدف برخی مطالعات، دانشجویان یا زنان بوده‌اند. همانطور که در ادامه خواهد آمد، مختصات فرهنگی و اجتماعی که گروه هدف مطالعه حاضر در آن زندگی کرده‌اند با گروه‌های هدفی که از آنها نام برده شد، متمایز بوده و در این حوزه با ضعف مطالعاتی روبرو هستیم، نکته دیگری که ضرورت نگارش مقاله حاضر را بازگو می‌کند، پنداشت ایلامی‌ها از اعتیاد به‌مثابه یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی مهم در استان است که این تحقیق سعی دارد به روش کیفی به دنبال پاسخگویی به چرایی آن باشد.

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم و موضوع‌های عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (ماکسول، ۲۰۰۴؛ ریچی و لوئیس، ۲۰۰۵ نقل از

محمدپور و همکاران). همانطور که گفته شد هدف تحقیق حاضر نظریه آزمایی چارچوب‌های مطرح شده در ادبیات نظری موضوع اعتیاد نیست. در این جا نیز با توجه به پیچیدگی موضوع اعتیاد آن هم در شرایط خاص استان ایلام، محقق تلاش می‌کند با تکیه بر ترجیحات نظری خود، تنها چارچوبی مفهومی را برای طرح سؤالات و شیوه نگاه کردن به مسئله فراهم سازد. این چارچوب مفهومی رویکردهای تفسیری و برساخت‌گرایی است.

رویکرد برساخت‌گرایی در پارادایم تفسیری قرار می‌گیرد. برساخت‌گرایی اجتماعی رویکردی است که به فرایندی که یک شرایط مسئله‌دار به نظر می‌رسد توجه می‌کند (طباطبائی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۵). بر طبق رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی، مطالعه پدیده اجتماعی، به فهم جهان اجتماعی نیاز دارد که مردم با فعالیت مداوم خود آن را می‌سازند و بازتولید می‌کنند. به هر حال، مردم پیوسته جهان خودشان را تفسیر می‌کنند، یعنی تفسیر موقعیت اجتماعی، رفتار مردم دیگر، رفتار خودشان و موضوعات برساخته طبیعی و انسانی (بلیکی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). اسپکتور و کیتسوز بر این اعتقادند که مسائل اجتماعی مرکب از شرایط عینی و تعاریف ذهنی هستند (بکر، ۱۹۶۶ به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۹۳: ۲۲۳).

جدای از این رویکرد کلی، تحقیق حاضر به مفاهیم نظری دیگری از جمله هویت و هویت‌خواهی حساس خواهد بود که در ادامه به آن اشاره می‌شود. به زعم جنکینز همه هویت‌ها، هویت اجتماعی هستند. حداقل به دلیل اینکه هویت به معنا مربوط می‌شود و معنا نیز نتیجه توافق بین انسان‌هاست و نه ذاتی اشیاء (جنکینز، ۱۳۸۱: ۶). در همین ارتباط کستلز (۱۳۸۲) نیز هویت را فرایند شناسایی خود، توسط کنشگر اجتماعی می‌داند که عموماً بر مبنای خصایص فرهنگی، جهان معنایی خود را می‌سازد. برگر و لاکمن در کتاب «ساخت واقعیت اجتماعی»، هویت را همچون پدیده‌ای تعریف می‌کنند که از دیالکتیک بین فرد و جامعه شکل می‌گیرد (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵).

اساساً رویکردهای تعامل اجتماعی به هویت، رویکردی مبتنی بر رابطه است. تجربه هر فردی از هویت به زندگی تاریخی - اجتماعی وی پیوند خورده است. هویت دارای، اساسی اجتماعی بوده و در تعاملات اجتماعی به طور مداوم در حال بازسازی خویش است. بنابراین «هویت چیزی است که بر سر آن کشاکش در می‌گیرد و به واسطه آن ترندها پیش برده می‌شود... دستاوردی عملی و ... یک فرایند است». (جنکینز، ۱۳۸۲: ۴۴). یک گروه اجتماعی مجموعه‌ای از افراد با «هویت‌سازی اجتماعی مشترک» هستند. افراد خود را اعضای یک مقوله یا گروه اجتماعی می‌دانند که احساس مشترکی را در آنها ایجاد می‌کند و شخص با دیگر اعضای آن «فهمی مشترک از چیزها» داشته باشد و آنها را در جهتی سوق بدهد که «در قلمرو نمادین مشترکی مشارکت بورزند» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

گیدنز در کتاب تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید بر این اعتقاد است که هویت شخصی ایجاد کننده نهادهای امروزی و نیز ماحصل این نهادهاست. از نظر او هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. هویت شخصی در واقع همان «خود» است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی نامه‌اش می‌پذیرد. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲-۸۱) اکنون چند دهه است که زنان و دختران در سراسر جهان هویت‌های جا افتاده و سنتی خود را مورد سؤال قرار داده‌اند و با آن به رویارویی برخاسته و برای بنیان نهادن راههای برابرجویانه تر و آزادانه‌تر مبارزه می‌کنند و می‌خواهند هویتی بیش از زندگی خانگی و خانوادگی داشته باشند. آنان با هر گامی که از خانه دور می‌شوند، در واقع به نوعی سیاست مشخص روی می‌آورند (گیدنز، ۱۳۸۰). لازمه فرایند کسب هویت تجربه یک دوره کاوش دقیق و منطقی است.

به دلیل باز بودن زندگی اجتماعی امروزی و همچنین به علت تکثریابی زمینه‌های عمل و تنوع مراجع، انتخاب شیوه زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و

فعالیت‌های روزمره اهمیت می‌یابد، دنیای تجدد که آکنده از تهدیدها و خطرهای احتمالی است، به طرز عمیقی در قلب هویت و احساسات شخصی نیز نفوذ می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۱ و ۳۰). بهترین شیوه تحلیل هویت شخصی در موارد عام، در تضاد قرار دادن آن با افرادی است که در نزد آن‌ها احساس خود، در هم شکسته یا به ناتوانی گراییده است. احساسی از عدم انسجام نسبت به پیوستگی سرگذشت خویش، بریدگی در تجربه زمان، اضطراب از پاکسازی و مهر باطله خوردن و نگرانی از غرق شدن در مشکلات. احساس عادی هویت شخصی درست عکس این خصوصیات است. چنین فردی با آدم‌های دیگر ارتباط دارد، خود را از تهدیدهای روزمره محافظت می‌کند و برای خود احترام قائل است (همان: ۸۳ و ۸۴).

از دیدگاه اریکسون (۱۹۵۰) نوجوان برای ساختن هویت خود، در یک زمان با دو گروه از امور درگیر است؛ از سویی باید با تغییرات فیزیولوژیکی و شناختی خود سازگار شود و از سویی دیگر ناگزیر از سازگاری با نظام‌های بیرونی است. از این رو تشکیل هویت در جوان شامل سه امر اساسی است: ۱. نوجوان احساس ثبات و تداوم کند؛ یعنی درک کند که در طول زمان همان شخصی است که قبلاً بوده است، ۲. افراد جامعه و دیگران او را شخصی باثبات بشناسند؛ یعنی نوجوان باید بتواند تصویر باثباتی از خود به محیط ارائه دهد ۳. او باید بر اساس شواهد عینی و اطلاعات ملموسی که از محیط دریافت می‌کند به ثبات شخصیت خود و تداوم آن اطمینان پیدا کند. اگر چه کار شکل‌گیری هویت در سراسر چرخه زندگی ادامه می‌یابد اما تغییرات در هویت، در طول دوره نوجوانی معمولاً بیشتر قابل ملاحظه است (نقل از انسبیه بابایی و همکاران ۱۳۹۸) مارسیا^۱ (۱۹۶۶) دو مرحله «کاوش»^۲ و «تعهد»^۳ را در شکل‌گیری فرایند هویت، مهم می‌داند. کاوش یا جستجوی هویت دوره‌ای است که در آن فرد به پرسشگری در

1. Marcia
2. exploration
3. commitment

زمینه تقلید، همانندسازی، انتظارات و نقش‌هایی که به وی محول شده می‌پردازد و به تأمل در علایق، استعداد، جهت‌گیری و نقش‌ها و آرمان‌های خود مبادرت می‌ورزد. تعهد هم یعنی اتخاذ تصمیم نسبتاً با دوام و تثبیت نسبی در اشکال مختلف هویت. مارسیا می‌گوید نوجوان در پیشرفت خود به سوی هویت منسجم چهار نوع هویت زیر را طی می‌نماید: ۱. هویت آشفته یا سردرگم^۱ ۲. هویت زود شکل‌گرفته یا دنباله‌رو^۲ ۳. هویت به تعویق افتاده یا بحران‌زده^۳ و ۴. هویت پیشرفته (کسب هویت).

ویژگی بارز هویت آشفته بی‌تفاوتی همراه با فقدان تعهد و جستجوگری است. آنان در این مرحله نقش‌ها را امتحان کرده به سرعت ترک می‌کنند و خود با جماعت‌های دیگر هم‌داستان می‌شوند. در هویت زود شکل‌گرفته نوجوانان به برخی اهداف و ارزش‌ها تعهد دارند، این نوجوانان تأیید شدن توسط دیگران برایشان بسیار دارای اهمیت است و استقلال رأی کمتری دارند. در هویت تأخیری، فرد خود را در تجارب مختلف می‌آزماید تا به شناخت عمیقی از خود برسد. حالت وقفه هویت ممکن است همرا با پریشانی و استرس باشد و در نهایت هویت پیشرفته از تعهدی حکایت دارد که بعد مرحله‌ای از جستجوگری حاصل می‌شود، در این مرحله فرد بحران هویت را به پایان می‌رساند و هویت فرد شکل‌گرفته و تعهدمند می‌شود.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق کیفی از نوع گراند تئوری است. میدان تحقیق شهر ایلام است. در مطالعه کنونی از دو نوع نمونه‌گیری به صورت همزمان استفاده شده که عبارت‌اند از: نمونه‌گیری هدفمند^۴ و نمونه‌گیری نظری^۵. تعداد مشارکت‌کنندگان در

-
1. Diffused
 2. Foreclosure
 3. Moratorium
 4. purposive Sampling
 5. Theoretical Sampling

تحقیق (مصرف‌کنندگان مواد مخدر) ۲۵ نفر بودند. با توجه به این تعریف‌ها، نمونه‌های ما را ساکنان مراکز ترک اعتیاد تشکیل دادند که وقت و توانایی شرکت در تحقیق را داشته باشند. مصاحبه در مراکز ترک اعتیاد انجام می‌شد و میانگین مصاحبه‌ها از ۴۰ تا ۸۰ دقیقه به طول می‌انجامید. برای اطمینان از اشباع نظری داده‌ها و جلوگیری از تراکم داده‌ها، بعد از انجام هر مصاحبه‌ای، کدگذاری داده‌ها به انجام می‌رسید. بر حسب اتفاق و به دلیل نبود مرکز ترک اعتیاد زنان در سطح استان و عدم دسترسی به آنها در سطح شهر، همه نمونه‌های تحقیق را مردان تشکیل دادند که بین ۱۸ تا ۳۵ سال سن داشتند. ۱۶ نفر از نمونه‌ها مجرد و ۹ نفر متأهل بودند، اکثر مشارکت‌کنندگان زیر دیپلم بوده‌اند و بیشتر آنها پایگاه اقتصادی پایینی داشتند. در جدول ۱ مشخصات نمونه تحقیق بیان می‌شود.

در طی مراحل پژوهش و همزمان با شکل‌گیری مدل تحقیق از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. تکنیک‌های اصلی جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته است. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های معمول در روش نظریه زمینه‌ای که عبارت‌اند از: کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری گزینشی^۳، استفاده شده است. همانطور که گفته شد محقق تعداد مصاحبه‌ها را تا ۲۵ نفر ادامه داده و با این تعداد داده‌ها به اشباع رسیده است. مقاله حاضر بخشی از پژوهشی است با عنوان «ارائه مدل بومی پیشگیری و مقابله با مواد مخدر در استان ایلام (با تأکید بر حوزه نگهداری، حمل و مصرف مواد مخدر)». به دلیل حجم بالای داده‌ها و به منظور انسجام‌بخشی بیشتر و تحلیل عمیق‌تر داده‌ها، در این مقاله تنها به توضیح دو قسمت شرایط علی و شرایط مداخله‌گر مدل پرداخته می‌شود.

-
1. Open coding
 2. Axial coding
 3. Selective coding

اعتیاد به متابه مواجهه مخاطره آمیز نوجوانی با ... ۱۶۹

جدول ۱- مشخصات نمونه تحقیق

ردیف	سن	شغل (اسبق)	تحصیلات	تأهل	ردیف	سن	شغل (اسبق)	تحصیلات	تأهل
۱	۱۹	بیکار	سیکل	مجرد	۱۳	۲۶	بیکار	فوق دیپلم	مجرد
۲	۲۵	بیکار	دیپلم	مجرد	۱۴	۳۸	راننده	دیپلم	متأهل
۳	۲۳	کارگر ساختمان	سیکل	متأهل	۱۵	۳۰	تعمیرکار	ابتدایی	متأهل
۴	۲۲	بیکار	ابتدایی	متأهل	۱۶	۲۷	کارگر راهنمایی	دوم	مجرد
۵	۲۸	بیکار	دیپلم	مجرد	۱۷	۳۴	راننده	ابتدایی	متأهل
۶	۳۱	کارگر مرغداری	اول راهنمایی	متأهل	۱۸	۳۳	بیکار	لیسانس	مجرد
۷	۳۲	بیکار	سیکل	مجرد	۱۹	۳۵	بیکار	دیپلم	مجرد
۸	۳۳	مکانیک	دیپلم	متأهل	۲۰	۲۶	بیکار	سیکل	مجرد
۹	۲۹	راننده	ابتدایی	متأهل	۲۱	۲۳	کارگر	ابتدایی	متأهل
۱۰	۲۸	کارگر	دیپلم	مجرد	۲۲	۲۴	مغازه دار	دیپلم	متأهل
۱۱	۲۰	بیکار	دیپلم	مجرد	۲۳	۲۹	فروشنده	سیکل	مجرد
۱۲	۲۵	آزاد	دیپلم	مجرد	۲۴	۲۲	راننده	دیپلم ردی	مجرد
۱۳	۲۶	بیکار	فوق دیپلم	مجرد	۲۵	۳۱	بیکار	سیکل	مجرد

یافته‌های تحقیق

همانطور که گفته شد، در این بخش از تحقیق به بیان مقولات استخراجی و مفاهیم تشکیل‌دهنده شرایط علی و مداخله‌گر مؤثر بر اعتیاد به مواد مخدر در سطح شهر ایلام خواهیم پرداخت.

شرایط علی

شرایط علی^۱ همان حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی هستند که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامند (اشتراوس و کورین، ۱۳۸۷: ۹۷). داده‌ها نشان می‌دهند مواجهه مخاطره‌آمیز با چالش‌های نوجوانی؛ شورش علیه خانواده؛ ضدیت با مدرسه؛ در جست‌وجوی استقلال و هم‌نوایی با دیگران مهم از مهم‌ترین دلایل نزدیکی و اعتیاد مشارکت‌کنندگان به مواد مخدر بوده است. در ادامه به توضیح هر مقوله خواهیم پرداخت.

مواجهه مخاطره‌آمیز با چالش‌های نوجوانی

قالب ۱- مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله مواجهه مخاطره‌آمیز با چالش‌های نوجوانی

مقوله	مفاهیم
مواجهه مخاطره‌آمیز با چالش‌های نوجوانی	نزدیکی به مواد از روی کنجکاوی، آزمون و کشف (۲۰ بار تکرار) / علاقه به مرجعیت، رهبریت و اقتدارطلبی نسبت به دوستان (۹ بار تکرار) / میل به خطرپذیری، قاعده شکنی و خشونت (۸) / تلاش برای مقبولیت، محبوبیت و تاییدپذیری (۸ بار تکرار) / تخلیه هیجان و لذت‌پذیری (۵ بار تکرار) / تمایلات جنسی و تلاش برای پر کردن خلأ / تاوان زیاد برای اشتباه یک باره و نه هزار باره نوجوانی.

1. Causal condition

اکثریت قریب به اتفاق نمونه‌ها در پاسخ به این سؤال که «از اولین روزی که رفتید سراغ مواد برایمان بگو» عقب‌گردی به دوره نوجوانی و ویژگی‌های بارز خود در این دوره و به عبارتی همان هویت نوجوانی داشتند. بنا به تعریف جانسون^۱ (۱۹۹۵) هویت فردی یعنی «پنداشت نسبتاً پایدار فرد از کیستی و چیستی خود، در ارتباط با افراد و سایر گروه‌ها که از طریق تعاملات اجتماعی با دیگران در فرایند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد». هویت فرد یا همان تصور فرد از خودش چیزی نیست جز شناسایی یک فرد از خودش از نگاه دیگرانی که فرد با آنها در یک گروه یا گروه‌های متعدد حشر و نشر دارد (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۲۴۹-۲۴۸ نقل از لوزیک، ۱۳۹۳: ۸۹).

دوره نوجوانی دوره‌ای است ورود و گذار از آن با ویژگی‌های خاصی همراه است. بسیاری از شرکت‌کننده‌های در تحقیق دائماً از نوعی خلأ، صحبت می‌کردند. بسیاری از نمونه‌های تحقیق گرایش به سیگار (در آغاز) و یا مواد را حرکتی برای پر کردن این خلاهای دوره جوانی برمی‌شمردند: کنجکاوی، آزمون و کشف؛ علاقه به مرجعیت، رهبریت و اقتدارطلبی نسبت به دوستان؛ میل به خطرپذیری، قاعده شکنی و خشونت؛ تلاش برای مقبولیت، محبوبیت و تاییدپذیری؛ تخلیه هیجان و لذت‌پذیری؛ تمایلات جنسی و تلاش برای پر کردن خلأ. آن‌ها اعتیاد را تاوان سنگین اشتباه یک باره و نه هزار باره نوجوانی معنا می‌کردند. نقل‌قول‌های زیر گویای این موضوع است:

«ما بچه‌ها دنبال پرکردن خلأ بودیم. یه چیزی در وجودت هست و سعی داری آن را پر کنی».

«آدم افراطی بودم که دوست داشتم آخر هر کاری را بدانم و همیشه دنبال ته لذت بودم».

«در مدرسه دوست داشتم مورد تأیید بچه‌ها قرار بگیرم و به عنوان یک فرد خطرناک به من نگاه کنند و از همه آنها سرتتر باشم».

«با مواد آن خلأ دوران نوجوانی پر شد و می‌گفتیم نیمه گمشده خود را پیدا کرده‌ایم و با آن آرامش داشتیم و مثل عسل شیرین بود».

اعتیاد به‌مثابه شورش علیه خانواده

قاب ۲- مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله اعتیاد به‌مثابه شورش علیه خانواده

مقوله	مفاهیم
اعتیاد به‌مثابه شورش علیه خانواده	<p>فشار والدین/ بی‌توجهی به توصیه‌ها/ مشکلات همیشگی با پدر، لجبازی با او و لذت بردن از حرص خوردنش (۴ بار تکرار) پدر نظامی و خشک/ واکنشی به قول‌های پوچ پدر/ سرزنش‌های دائمی خانواده/ نصیحت‌های دائمی (۲ بار تکرار)/ رفتارهای سخت‌گیرانه/ رفتارهای عقده‌ای/ پدر و مادر مقصر/ ول‌شدگی/ عقده‌ای شدن/ بهاندادن/ محدودیت شدید خانواده برای ورود و خروج/ گیر دادن/ برچسب‌های بد خانواده و مصرف دوباره. بدرفتاری خانواده و بازگشت دوباره/ لکه دار کردن آبرو توسط برادر و مصرف بیشتر/ لج کردن با خانواده/ کینه‌ای شدن نسبت به خانواده/ تمایل به حال‌گیری از خانواده/ به مبارزه طلبیدن/ مصرف مواد به خاطر لج بازی با خانواده (۲ بار تکرار)/ مصرف مواد برای فراموشی موقعیت‌های از دست رفته/ مخالف خوانی در برابر والدین/ جمعیت زیاد و درک نشدن توسط خانواده/ تحقیرشدگی در جمع/ عقده‌ای شدن/ فاصله زیاد در روابط با خانواده، اعتیاد دوباره اعتراضی به خانواده و مشکلات خانوادگی (ندادن همسر) یا نرفتن به خواستگاری/ (۶ بار تکرار)/ مواد یعنی پدر و مادر، خدا و همه کس.</p>

یکی از سؤالات مهم برگز و همکاران (۱۳۸۱: ۸۶-۸۵) در کتاب «ذهن بی‌خانمان» این است که جنبه‌های مشخص هویت مدرن چیست؟ آن‌ها چند ویژگی را برای هویت مدرن یادآوری می‌کنند که به ما در این بخش می‌تواند کمک کند: نخست «هویت مدرن

مشخصاً باز است»؛ ... یعنی انسان مدرن «مستعد تغییر» است. دوم «هویت مدرن مشخصاً تفکیک شده است»؛ فرد مدرن با توجه به تجربیات خود از کثرت جهان‌های اجتماعی به نسبی‌سازی هر یک از آن‌ها می‌پردازد در نتیجه نظم نهادی تا حدی واقعیت خود را از دست می‌دهد و «تاکید واقعیت» از نظم عینی نهادها، به قلمرو ذهنیت فرد جابجا می‌شود. سوم «هویت مدرن مشخصاً اندیشنده است»؛ آگاهی مدرن، آگاهی هوشیار، پرتنش و «احتجاج‌آمیز» است و نهایتاً «هویت مدرن مشخصاً فردیت یافته است». فرد که حامل هویت به صورت موجودیت حقیقی خویش است به طوری کاملاً منطقی، جایگاه بسیار مهم خویش را در سلسله مراتب ارزش‌ها احراز می‌کند.

به نظر می‌رسد گروه‌های شرکت‌کننده در تحقیق تا حدود زیادی از هویت سنتی خود دور و به هویتی دست پیدا کرده‌اند که از ویژگی‌های اساسی آن میل به تغییر، میل به تفکیک، هویتی اندیشنده و فردیت‌یافته است. دیگر هویت فرد نوجوان و یا جوان در گرو جهان منسج نهادهایی چون خانواده نیست، در این جا به نوعی ما شاهد نوعی واگرایی نسلی هستیم تا همگرایی‌های نسلی. بسیاری از شرکت‌کنندگان در تحقیق گرایش به سیگار یا مواد را نوعی اعتراض و واکنش شدید و خشمگینانه به اعضای خانواده خود به ویژه به پدر تلقی می‌کردند. به نظر می‌رسد در واقع شورش و واکنشی نو در فرهنگ برخی از نوجوانان پدیدار شده که مقاومت در برابر نهادها درونمایه اصلی آن‌را تشکیل می‌دهد. فرهنگ جوانان به طور بسیار بنیادی با امر و نهی و کنترل شدید والدین از یک سو و بی‌توجهی و فاصله عاطفی از سویی دیگر مخالفت می‌ورزد. چیزی که به نظر می‌رسد در فرهنگ‌های قبلی مورد انتظار نبوده است.

«فکر می‌کنم همین گیردادنای خانواده بود که باعث شد به سمت مواد بیام. مثلاً آنها که به مهمانی می‌رفتند من هم باید می‌رفتم. یا بعد از اینکه از مدرسه می‌آمدم خونه، هم کلاسی‌هایم در خیابون بازی می‌کردند و من در خانه با خواهرم فوتبال بازی می‌کردم! من تا دوران دبیرستان در خانه بودم و بیرون نمی‌رفتم، یک میدان بزرگ روبروی خانه‌مان بود که هم کلاسی‌هایم آنجا بازی می‌کردند و من هر چه خواهم

می‌کردم نمی‌گذاشتند با آنها بازی کنم، همیشه در خانه بودم این باعث شد گوشه‌گیر و کم حرف باشم».

«دقیقاً به خاطر لج بازی با پدرم بارها اتفاق افتاد که من از روی لجبختی مواد مصرف کنم و دوست داشتم پدرم حرص بخورد».

اعتیاد به مثابه ضدیت با مدرسه

قالب ۳- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله اعتیاد به مثابه ضدیت با مدرسه

مفاهیم	مقوله
اذیت و آزار معلم/ عدم تمایل به تحصیل (۲ بار)/ ترک تحصیل در دوره راهنمایی (۴ بار) ضعف تحصیلی / معلم‌های بد اخلاق، بردن سیگار به مدرسه، سیگار کشیدن دسته جمعی در مدرسه	اعتیاد به مثابه ضدیت با مدرسه

یکی دیگر از مقولات تحقیق «اعتیاد به مثابه ضدیت با مدرسه» نام‌گذاری شد. همان طور که پیش‌تر هم توضیح داده شد اعتراض و ضدیت واکنشی نو در فرهنگ برخی از نوجوانان امروزی در استان ایلام است که مقاومت در برابر نهادهایی چون خانواده و مدرسه از ویژگی‌های اصلی آن است. چنین نوعی از فرهنگ نوجوانان را می‌توان به طور بارزی درون محدوده‌های نمونه‌های تحقیق یعنی افراد با گرایش به مواد ملاحظه کرد. در این واکنش، خصومتی ریشه دار با نظم و انضباط مدرسه یا به طور کلی ترتیبات نهادی وجود دارد. به عبارتی در این جا ضدیت با نظم به ضدیتی گسترده با نهادگرایی (خانواده و مدرسه) تبدیل می‌شود. مسئله از آنجا بیشتر خود را نشان می‌دهد که مدرسه فعالیت و برنامه‌ای برای چنین نوجوانانی ندارد و به طور یکسان برنامه‌های خود را برای همه دانش‌آموزان با ویژگی‌های مختلف اعمال می‌دارد. تأکید بسیاری از نمونه‌های تحقیق بر مدرسه و روایت‌های آنان از مدرسه خود گویایی چنین وضعیتی است. نقل قول‌های زیر گویای این موضوع است:

«تا راهنمایی درس خواندم و ترک تحصیل کردم، درسم خوب نبود، استعداد خوبی در نقاشی و فوتبال و هنر داشتم ولی تو درس نه»
«از همان اوایل مدرسه در میز آخر می‌نشستم و تمام معلمان را اذیت می‌کردم، درس برام جذابیتی نداشت ولی احساس می‌کردم باید از تمام دوستانم سرت‌تر باشم».
«من و دوستانم در مدرسه سعی می‌کردیم با دعوا کردن، فرار از مدرسه و سیگار کشیدن، خودمان را نشان دهیم».

گرایش به مواد، حرکتی برای استقلال

قالب ۴- مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله گرایش به مواد، حرکتی برای استقلال

مفاهیم	مقوله
تمایل به مورد مشورت واقع شدن / تلاش برای ابراز وجود / تمایل به ایفای مسئولیت مهم / استقلال طلبی شخصی / مصرف به‌مثابه مردانگی / مصرف بزرگ‌کننده انسانها / حس بزرگ شدن / تمایل به بزرگی، اقتدارطلبی، تمایل به مرجعیت	گرایش به مواد حرکتی برای استقلال

یکی از مقولات تحقیق حاضر «گرایش به مواد، حرکتی برای استقلال» بوده که همسو با مقولات پیشین است و مشارکت‌کنندگان در تحقیق در بیان روایت خود از اعتیاد به آن اشاره داشتند. استقلال‌طلبی یکی از عناصر هویتی در نوجوانی است. فرهنگ نوجوانان از یک سو ممکن است بر ضد هر شکلی که این ویژگی آنان را مخدوش کند (همانند خانواده و مدرسه) اقدام و خود را تحمیل کند و از سوی دیگر از هر وسیله‌ای که چنین معنایی را برای آنان به ذهن متبادر سازد استقبال کرده و آن را بپذیرند. یکی از این وسایل گرایش به مواد است. به زعم مشارکت‌کنندگان در تحقیق تشکیل جماعت‌هایی که ویژگی اصلی آنها مصرف سیگار و در ادامه مواد بوده برای آنان نوعی تلاش برای ابراز وجود، نوعی اقتدار و به عبارتی به‌مثابه نوعی مردانگی عمل

می‌کرده که گامی مهم برای استقلال‌خواهی آنان به شمار می‌رفته است. نقل قول‌های زیر گویای این موضوع است:

«احساس می‌کردم هرکس سیگار می‌کشید انسان بزرگ و بامسئولیتی است».

«سعی می‌کردم در خانه تأیید شوم. با وجود سن و سال من دوست داشتم با من

مشورت کنند».

همنوایی با دیگران مهم؛ موقعیت اولین مواجهه و تجربه

قاب ۵- مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله همنوایی با دیگران مهم؛ موقعیت اولین مواجهه و تجربه

مقوله	مفاهیم
همنوایی با دیگران مهم؛ موقعیت اولین مواجهه و تجربه	تنباکوی مادر بزرگ/ سیگار کشیدن دلچسپ دایی/ سیگار کشیدن دسته جمعی با همکلاسی‌های ابتدایی/ تأثیرپذیری از دوستان/ مصرف در کوه با دوست/ مدرسه نقطه آغاز درگیری و آشنایی/ اولین تجربه با کشیدن سیگار پدر/ سرقت سیگار از مغازه در پنجم ابتدایی به همراه دوستان/ کشیدن ته مانده سیگار معلم/ خرید سیگار برای معلم/ مصرف در کوه در جمع دوستان/ مصرف حشیش در دبیرستان با دوستان/ خرید سیگار برای پدر/ مصرف ناشیانه در اولین بار در میان جمعی از معتمدان پارک/ مصرف با دوستان هم محله‌ای/ کشیدن سیگار با دوستان مدرسه/ الگوبرداری بهروز وثوق/ سیگار کشیدن بزرگان محله/ عشق به آدم سیگاری.

مطابق با رویکرد نظری تحقیق، هویت اجتماعی در تعامل با دیگران ساخته می‌شود. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهند که جلب توجه خاص نمونه‌های تحقیق به اعتیاد در بستر و فضایی خاص و همراه با افرادی خاص به انجام رسیده است. این بستر را دیگران مهم این افراد به وجود آورده‌اند. دیگری مهم: به فرد یا افرادی گفته می‌شود که شخص از نظر احساسی و روان‌شناختی به آنها علاقه‌مند یا وابسته است و از آنها تأثیر می‌پذیرد و بیشتر وقتش را با آنها می‌گذراند (کوئن، ۱۳۸۵: ۹۴). در نمونه‌های

تحقیق این دیگران مهم را برخی نخبگان سمبولیک همانند بازیگران و هنرپیشه‌ها، هم‌تایان اجتماعی همانند دوستان صمیمی، معلم یا افرادی همانند: مادر بزرگ و دایی تشکیل می‌دهند. به عبارتی می‌توان گفت در اولین مواجهه، این افراد برای هم‌نوایی اجتماعی با هم‌تایان و یا دیگران مهم به مصرف مواد مبادرت ورزیده‌اند.

«فکر می‌کردم که معلم که سیگار می‌کشید حتماً چیز خوبی است چون او بزرگ

است».

«از سیگار شروع شد. مادر بزرگم دلچسب سیگار (تنباکو) می‌کشید و من هم

دوست داشتم بکشم».

«دایی‌هایم سیگار می‌کشیدند و آنها بزرگ طایفه‌مان بودند و بعضی مواقع تریاک هم

می‌کشیدند. من هم فکر می‌کردم چون دایی‌هایم سیگار می‌کشند حتماً چیز خوبی است

و دانه دانه سیگار می‌کشیدم و کسی هم متوجه نشد».

شرایط مداخله‌گر

شرایط میانجی همان شرایطی هستند که به پدیده‌ای تعلق دارند و بر راهبردهای کنش/ کنش متقابل اثر می‌گذارند. آن‌ها راهبردها را درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آن را محدود و مقید می‌کنند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۹۷ و ۹۸). در تحقیق حاضر از عوامل زیادی می‌توان یاد کرد که می‌توان آنها را به عنوان شرایط میانجی در نظر گرفت، شرایطی که پدیده اعتیاد و یا استراتژی‌های مرتبط با آن را تسریع می‌کنند، یا مانع می‌شوند. برخی از شرایط تسهیل‌کننده اعتیاد عبارت‌اند از: دسترسی‌پذیری آسان به مواد و دسترسی‌ناپذیری به سایر آلترناتیوهای فراغتی؛ معناسازی جذاب برای مواد؛ تجربه دلپذیر آغازین و ناسازگاری با انگاره‌های پیشین؛ اهمال و تأخیر در وقوف خانواده به مصرف فرزند؛ محال‌پنداری گرفتاری در محاصره اهمال و پنداشت خاص از شخص معتاد؛ فقر و جداگزینی مکانی از خانواده؛ نقطه عطفی در ایجاد بحران؛ قدرت مسحورکنندگی ساقیان و قصور در برخورد منطقی اولیه

خانواده پس از آگاهی به مصرف فرزندان. وجود این شرایط شیوع مصرف مواد مخدر را شدت می‌بخشند. اما از سویی دیگر یکی از شرایطی که مانع شیوع مصرف مواد مخدر در فرزند می‌شود و وی را برای ترک، تشویق می‌کند، کنشگری عاطفی یکی از اعضای خانواده است. در ادامه همه این مقولات توضیح داده می‌شوند.

دوگانه دسترسی پذیری آسان به مواد و غیرآسان به فضاهای فراغتی

قاب ۶- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله دوگانه دسترسی پذیری...

مفاهیم	مقوله
پر بودن شهر از ساقی / جایگزینی سریع ساقیا/ دسترسی راحت و ارزان (۵ بار) / تحویل مواد درب منزل /	دوگانه دسترسی پذیری آسان به مواد و غیرآسان به سایر فضاهای فراغتی

یکی از مقولاتی که مورد تأکید بسیاری از مشارکت‌کنندگان در تحقیق بود دسترسی بسیار آسان به مواد مخدر بود. مسئله در این جا خود را نشان می‌دهد که از سویی دیگر در استان ایلام، پدیده‌ای که می‌توان تقریباً به راحتی آن را تأیید کرد، دسترسی ناپذیری به سایر آلت‌رناتیوهای فراغتی برای چنین نوجوانانی و با ویژگی‌های خاص است. متأسفانه برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای در استان اغلب به نیروها و گروه‌های اجتماعی همانند نوجوانان و جوانان توجهی نداشته‌اند.

«ساقی‌ها همیشه در دسترس بودن و بعضی مواقع نسیه هم می‌دادند».

«خودشون میارن دمه خونه می‌فروشن بهت».

معناسازی جذاب برای مواد

قاب ۷- مفاهیم تشکیل‌دهنده مقوله معناسازی جذاب برای مواد

مقوله	مفاهیم
معناسازی جذاب برای مواد	<p>تصور از انسان سیگاری؛ انسان بزرگ/ انسان مسئول/ شادی آوری / خاصیت غیر اعتیادی مواد/ نشاط آوری/ تریاک تسریع کننده کار و افزایش دهنده کیفیت کار/ مواد به‌مثابه مُسکن/ تصور از معتاد به‌مثابه شخص جذاب و با اتوریته/ در حسرت ارتباط با موادی/ قطع مصرف یعنی ترک/ متمایز با بقیه/ تصورناپذیری از گرفتاری مهلک/ معتاد یعنی کارتن خواب/ بامرامی (۵ بار)/ بخشندگی/ بزرگی/ عشق به آدم سیگاری/ مصرف مواد و افزایش قدرت فکری/ محال‌پنداری گرفتاری (۴ بار)/ مهربان کننده (۲ بار)/ مواد زیبا کننده قیافه و چشم (۵ بار) تقویت کننده صدا/ مواد یعنی حس بهتر به دنیا/ مواد گلو باز کن / اعتماد دهنده به نفس.</p>

همانطور که گفته شد منبع اصلی هرگونه فعل و انفعالات در واقعیات اجتماعی همان انسان است، پس درک انسان‌ها از واقعیات بسیار مهم است به عبارتی اینکه کنشگران چگونه مواد را معنا و یا تجربه می‌کنند در انجام فعل و انفعالات زندگی روزمره آنها و گرایش بیشتر به مواد بسیار بسیار مهم است. معناسازی گروه‌های مشارکت‌کننده از مواد مخدر بسیار جذاب بوده است: خاصیت زیبایی بخشی آن، منش‌آفرینی جذاب و نشاط‌آفرینی نمونه‌هایی از این معناسازی هستند، البته تصور مهم دیگر برای آنها این بوده است که آنها خود هرگز گرفتار اعتیاد نخواهند شد. بسیاری از شرکت‌کنندگان در تحقیق در مراحل آغازین مصرف هرگز فکر نمی‌کردند که روزی معتاد شوند، آنها خود را حامل ویژگی‌های خاصی می‌دانستند که مانع از گرفتاری آنها در دام اعتیاد می‌شده است. آنها شخص معتاد را انسانی خانه‌به‌دوش و کارتن‌خواب

می دانستند، به عبارتی آنها هرگز فکر نمی کردند که با مصرف مواد، آن هم به صورت تفننی، روزی وابسته و گرفتار شوند.

«دوستان می گفتند اگر حشیش مصرف کنی چشمانت شهلایی می شوند».

«باور ما این بود که حشیش آدم را با مرام می کند ولی تریاک نه، آدم را نامرد

می کند».

«تریاک باعث می شد که جلوی چشم دیگران شیرین باشی».

تجربه دلپذیر آغازین و ناسازگاری با انگاره های پیشین

قاب ۸- مفاهیم تشکیل دهنده مقوله تجربه دلپذیر آغازین و ناسازگاری با انگاره های پیشین

مفاهیم	مقوله
مثل غسل؛ شیرین/ به مانند تجربه فوتبال/ تجربه حشیش به مانند لذت بردن از تشویق تماشاگران فوتبال/ حس برد در ورزش/ تجربه پرواز/ مثل مالکیت تمام دنیا/ مثل شنیدن خبرهای خوب/ تجربه اول همانا و ادامه دادن همانا	تجربه دلپذیر آغازین و ناسازگاری با انگاره های پیشین

یکی از سؤالاتی که از نمونه های تحقیق پرسیده می شد این بود که «حس اولین تجربه مواد رو به ما بگو». در میان نمونه های تحقیق به جز تعداد محدودی (۲ نفر) که بیان داشتند در اولین مصرف حال بدی پیدا کرده بودند، یا این که حس خاصی نداشتند، بقیه اظهار داشتند که تجربه اولین مصرف برای آنها تجربه بسیار خوشایند و دلچسبی بوده است. نکته قابل تأمل این است که بسیاری از شرکت کنندگان در تحقیق اظهار می داشتند که این حس خوشایند اولین تجربه با هشدارهایی که از جامعه در مورد آن گرفته بودند، بسیار متناقض و متفاوت بود. خود این تناقض عاملی در تمایل برای تجربه بیشتر آن شده بود. نقل قول های زیر گویای این موضوع است:

«حسی که برای اولین بار مواد به من داد حسی بود که انگار گلویم باز شده و موزیک به من حال می‌داد این حس را قبلاً در فوتبال تجربه کرده بودم. موقعی که فوتبال بازی می‌کردم مرا تشویق می‌کردن و از آن تشویق لذت می‌بردم. مثل حس حشیش کشیدن بود».

اهمال و تأخیر در وقوف خانواده به مصرف فرزند

داده‌های حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان تحقیق نشان می‌دهد که بین مصرف اولیه و نیز آگاهی و وقوف خانواده به این عمل فرزند تاخیری نسبتاً طولانی وجود دارد، تاخیری که می‌توان از آن به عنوان یک ریسک‌فاکتور یاد کرد چرا که این اهمال و تأخیر، به معنای از دست رفتن فرصت برای اقدام به موقع است. این تأخیر بعضاً فاصله‌ای حتی ۷ ساله به خود می‌گیرد که با فریب و دروغ هم همراه است.

فقر و جداگزینی مکانی از خانواده؛ نقطه عطفی در ایجاد بحران

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که از جداگزینی مکانی نوجوان و یا مهاجرت آنان به شهرهای دیگر برای یافتن کار، که در پی ترک تحصیل رخ می‌دهد، می‌توان به عنوان یک عامل خطر بسیار مهم در تشدید و ایجاد بحران اعتیاد نام برد. بسیاری از نمونه‌های تحقیق از یک سو به دلیل فقر و وضعیت نامناسب اقتصادی و از سوی دیگر به منظور رهایی از نظارت‌های اجتماعی راهی شهرهای بزرگ شده بودند. از این جدایی مکانی می‌توان به عنوان یک حادثه یا پیشامد خطرناک یاد کرد چرا که روند مصرف بیشتر و شدیدتر نوجوان و جوان را در پی داشته و تسریع می‌کند. در برخی از نمونه‌های تحقیق این جدایی به صورت گذراندن اوقات فراغت و عمدتاً در تابستان در نزد خویشاوندان بوده است. در درون این فضا زمینه مصرف برای مشارکت‌کنندگان در تحقیق فراهم شده بود. نقل قول‌های زیرگویای این موضوع است:

«اولین باری که مواد مصرف کردم در سه ماه تابستان بود که برای تفریح به خانه عمویم در اندیمشک رفتم و من با پسر عمویم بسیار رفیقی بودم و او یک روز مقداری مواد مصرف کرد و من نمی‌دانستم که چیه و از او پرسیدم و او گفت که هیچی. بهتر است ندانی و من کنجکاو بودم که بدانم و اصرار زیادی کردم تا بعد از دو روز موفق شدم که راضی‌اش کنم و مقداری از آن به من داد و من کشیدم».

«در شهر خودم ترک تحصیل کردم، برای کار به تهران رفتم و آنجا آغاز سیگار کشیدنم بود و دوباره که به شهر خودمان برگشتیم چیزی توی وجودم گم شده بود که به هر دری می‌زدم که پیدایش کنم».

قصور در برخورد منطقی: واکنش اولیه خانواده

یافته‌ها نشان می‌دهند که علاوه بر تأخیر در وقوف خانواده به مسئله اعتیاد فرزند، به هنگام وقوف و آگاهی خانواده، در اولین مواجهه، ما با قصور در برخورد منطقی در مواجهه با چنین فرزندی روبرو هستیم. قصور در رفتارهای عقلانی می‌تواند چالش‌های بیشتری را در پی داشته باشد. به زعم مشارکت‌کنندگان در تحقیق پرتکرارترین نوع واکنش توسل به خشونت و زندانی کردن فرزند است، این در حالی است که کنش منطقی، کنش آگاهانه معطوف به استفاده از ابزارهای لازم و در دسترس برای حل مسئله است. اما چیزی که در واقعیت زندگی مشارکت‌کنندگان در تحقیق بازگو شده است چنین چیزی را ثابت نمی‌کند. علاوه بر خشونت و توسل به زور برای ترک در فرزند، بردن فرزند به زیارت، قسم دادن وی، رها کردن و یا تأمین کردن هزینه برای مصرف به دلیل ترس از آبرو، از دیگر واکنش‌های احساسی و از روی هیجان بوده است که قدرت بازدارندگی چندانی هم نداشته است. این قصور از جانب خانواده‌های با سرمایه‌های بالای فرهنگی و اقتصادی هم دیده شده است. نقل قول‌های زیر گویای این موضوع است:

«بارها برای ترک اقدام کردم. قسم خوردم، زیارت رفتم، توبه کردم دوست داشتم ترک کنم چون عاجز بودم ولی روز بعد از توبه مصرف کردم چون قسم و توبه ضعیف‌تر از آن هیولای وجودم بود، هیولا حتی قوی‌تر از گریه‌های مادرم بود».

اعتیاد به مثابه مواجهه مخاطره‌آمیز نوجوانی با ... ۱۸۳

«خدا کمکم کرد که ترک کنم حتی خانواده‌ام از من ناامید شده بودن و برایم قبری تهیه کرده بودند و می‌گفتند که به زودی می‌میری و پول به من می‌دادند و می‌گفتند که برو مصرف کن و فقط آبرویمان را نبر».

«بارها کتک خوردم و زندانی شدم، ولی فایده‌ای نداشت چون خودم می‌خواستم مواد مصرف کنم و فکرم پیش مواد بود».

مفیدیت کنشگری عاطفی

به زعم وبر مردم کنش‌های عقلانی انجام می‌دهند و جهان را به شیوه‌ای منسجم سازمان می‌دهند. غایت علوم اجتماعی این است که به فهمی عقلانی از کنش انسانی ولی نه از تمام کنش‌های انسانی، نائل شود (کرایب، ۱۳۹۵: ۹۶). کنش‌های عقلانی آگاهانه در ارتباط با دیگران انجام می‌دهیم. وی از چهار نوع کنش عقلانی و معنادار اجتماعی سخن می‌گوید، یکی از آن‌ها کنش عاطفی است. در اینجا راه و روش انتخابی و فعالیت انسان و فرد کنشگر مطرح است، در این نوع کنش استدلال مدنظر نیست (تنهایی، ۱۳۹۰: ۲۹۳). یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مشوق بسیاری از نمونه‌های تحقیق برای ترک، کنشگری عاطفی اعضای خانواده بخصوص مادر است. آنان خود بر مفیدیت این نوع از کنشگری اذعان دارند. تشبیه مراکز بازپروری به مهدکودک و یا تشبیه فرد معتادی که قصد ترک دارد به فرزند گرفته شده از شیر، خود نشان دهنده لزوم توجه ویژه در برخورد با افراد معتاد است. نقل‌قول‌های زیر گویای این موضوع است:

«پدرم بارها با کتک زدن خواست که مرا مجبور کند مواد نکشم، یا این‌که با دوستانم معاشرت نداشته باشم حتی یک بار با قمه به من حمله کرد و مرا زخمی کرد. ولی مادرم درکم می‌کرد و با آرامی با من حرف می‌زد البته یکی از دلایلی که باعث شد تلاش کنم ترک کنم مادرم بود، چون می‌دیدم دارد زجر می‌کشد و شب‌ها تا صبح کنارم بود، حمام می‌کرد.... بهم می‌گفت فقط مواد نکش»

بحث و نتیجه

با توجه به رویکرد استفهامی تحقیق و به منظور درک عمیق‌تر دنیای کنشگران مصرف‌کننده مواد مخدر در صدد بودیم به این سؤال پاسخ دهیم که مشارکت‌کنندگان در تحقیق چگونه درگیری خود به مواد مخدر را روایت می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که گرایش به مواد مخدر بخش مهمی از حال و هوای خطرآگین دوره نوجوانی و نوعی بی‌باکی است. بی‌تردید چنین نگاهی به گرایش به مواد مخدر نوع مواجهه با آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به عبارتی مسئله اینجاست که نوجوان برای پاسخ به نیازهای رفتاری و هویتی سالم خود در این دوره همانند: استقلال‌طلبی، میل به کشف، کنجکاو، میل به اقتدار و رشدیافتگی سریع، تمایل به نقد و ... پاسخی ناسالم می‌یابد. فرهنگ جوانان به طور بسیار بنیادی با امر و نهی و کنترل شدید والدین از یک سو و بی‌توجهی و فاصله عاطفی از سویی دیگر مخالفت می‌ورزد. آگاه‌سازی خانواده از مسائل نوجوانی و جوانی در این زمینه می‌تواند ثمربخش باشد، خانواده باید به حدی از توانمندی برسد که به این امیال و خواسته‌های فرزند خود پاسخی منطقی بدهد.

نتایج نشان می‌دهد اگر قصد داریم دلایل گرایش به مواد مخدر را در شهر ایلام جست و جو کنیم باید بیش از هر چیزی متوجه دو نهاد مهم اجتماعی باشیم: خانواده و مدرسه. مقولات زیادی از یافته‌ها به مواردی برمی‌گردند که مستقیم به نهاد خانواده و پدیده‌های مرتبط با آن اشاره دارند. برخی از این مقولات عبارت‌اند از: «نقطه آغاز در دوره نوجوانی؛ مواجهه مخاطره‌آمیز با چالش‌های نوجوانی، شورش علیه خانواده با مصرف مواد، گرایش به مواد، حرکتی برای استقلال، هم‌نوایی با دیگران مهم، معناسازی جذاب برای مواد، اهمال و تأخیر در وقوف خانواده به مصرف فرزند، محال‌پنداری رفتاری در محصله اعتیاد و پنداشت خاص از شخص معتاد، فقر و جداگزینی مکانی از خانواده؛ نقطه عطفی در ایجاد بحران» و... . خانواده باید در مورد خطر هم‌نوایی و همانندی فرزندان با دیگران مهم مصرف‌کننده همانند افراد محبوب آنها یا نخبگان سمبولیک همانند: هنرمندان و بازیگران آگاه باشد.

همانطور که یافته‌های تحقیق نیز نشان دادند، دومین نهاد مهم پیش روی نوجوانان مدرسه است که می‌تواند نقش سازنده یا مخربی در اعتیاد نوجوانان داشته باشد. در ارتباط با نمونه‌های تحقیق، نقاط ضعف‌هایی در ارتباط با مدرسه وجود داشت که برای مقابله با اعتیاد در استان حتماً باید به آنها حساس بود. با توجه به آنچه آمد، مقوله هسته‌ای دلایل اعتیاد به مواد مخدر در سطح استان را مقوله‌ای بنام «مواجهه مخاطره‌آمیز نوجوانی با چالش‌های هویتی و عرصه‌های نقش‌پرداز» تشکیل می‌دهد که به نحوی تمام مقولات تحقیق را زیر پوشش خود قرار می‌دهد و این نتیجه، کاملاً با الگوی جوان‌گزین بودن اعتیاد در استان همسوست، بنابراین ریشه مسئله اعتیاد به مواد مخدر در شهر ایلام را باید در دوره نوجوانی و عرصه‌های مهم مرتبط با آن جست‌وجو کرد. نهاد خانواده، مدرسه، محله و متولیان امور نوجوان و جوانان از مهم‌ترین این عرصه‌ها به شمار می‌روند.

پیشنهاد‌های تحقیق

پیشنهاد‌های تحقیق در دو بخش اقدامات پیشگیرانه و اقدامات مقابله‌محور بیان می‌شوند:

- اقدامات پیشگیرانه را برای جلوگیری از اعتیاد می‌توان در سطح خانواده و مدرسه انجام داد. در درون خانواده چند عمل می‌تواند راه‌گشا باشد: ارتقای تفکرات فراشناختی و شناختی در نوجوانان و جوانان، پرورش تفکر انتقادی در فرزندان، کاهش فاصله عاطفی و اجتماعی با فرزندان و وقوف و مقابله با خطر جداگزینه فرزندان از خانواده در سنین نوجوانی و جوانی.

- پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت در نوجوانان، شناسایی دانش‌آموزان با ویژگی‌های خاص و فرآورده‌سازی استعداد‌های متنوع، فراهم‌سازی برگزاری و عرضه تولیدات هنری و بصری با موضوعیت اعتیاد و... نمونه‌ای از فعالیت‌هایی هستند که

مدارس می‌توانند برای ارتقای توانمندسازی دانش‌آموزان برای گرفتار نشدن در دام اعتیاد به انجام برسانند.

- علاوه بر سطوح پیشگیری باید به راهکارهای مقابله با مواد مخدر نیز توجه کرد. بخش عمده‌ای از این اقدامات، مقابله با افزارهای نرم است که عمدتاً با توسل به مردم و در حوزه فرهنگی انجام می‌شود. در این سطح موارد زیر پیشنهاد می‌شوند: اتخاذ رویکرد همدلانه و کنشگری عاطفی به منظور ادغام در جامعه و ظرفیت‌سازی محلی و مردمی. یافته‌های تحقیق نشان دادند که عامل برانگیزاننده ترک در بسیاری از معتادان، حمایت عاطفی و همدلانه برخی از اعضای خانواده و عمدتاً زنان بوده است. به نظر می‌رسد معتادان، گرفتار چرخه حذف از جامعه شده‌اند. تشبیه معتاد از خود به مثابه کودک یا نوزاد از شیر مادر گرفته شده خود گویایی لزوم و احساس نیاز به چنین کنشگری است. همان طور که قبلاً نیز گفته شد اتخاذ چنین رویکردی به معنای عدم مواجهه عقلانی و منطقی با پدیده اعتیاد و مصرف‌کننده مواد نیست، نکته این جاست که در مرحله وابستگی فرد به مواد مخدر، کنشی که هدایت‌کننده فرد برای ترک است، کنشگری عاطفی و همدلانه و تلاش فرد معتاد برای بازگشت به آغوش خانواده است. مشارکت اجتماعی حلقه مفقوده بسیاری از رویکردهای توسعه در دهه‌های اخیر شناخته شده و به عنوان یکی از ارکان اصلی سرمایه اجتماعی نقش سازنده‌ای به خود گرفته است.

- از جمله اقدامات دیگری که می‌تواند هم در سطح پیشگیری و هم در سطح مقابله مفید واقع شود، برگزاری کارگاه‌های آموزشی در سطح محلات است. این کارگاه‌ها باید در فضاهایی واقع شوند که بیشترین تعداد مخاطب را به خود جذب کنند. این کارگاه‌ها می‌توانند در دو بخش نظری و عملی در زمینه احساس تعلق محیطی، چالش‌های هویتی نوجوانان و جوانان، یا مشارکت برای ایجاد محیطی سالم اجرا شوند. لازم به ذکر است در هر دو بخش نظری و عملی، با توجه به اهمیت کلیدی ارتباط میان افراد برای کارگاه‌های مورد نظر، مباحث از طریق بحث گروهی باید مطرح و بررسی شوند.

اعتیاد به مثابه مواجهه مخاطره‌آمیز نوجوانی با ... ۱۸۷

- علاوه بر همه موارد، اقدام برای کاهش اعتیاد در سطح شهر هرگز بی‌نیاز از اهتمام و حساسیت در سطح ساختاری نیست. ادغام نوجوانان و جوانان در برنامه‌های توسعه به منظور پاسخ به نیازهای هویتی آنان و تلاش برای کاهش بُعد مهاجرت نوجوانان و جوانان از جمله ضروری‌ترین اقدامات قابل توجه در این زمینه است.

- به طور خلاصه این تحقیق نشان می‌دهد که پیشگیری و مقابله با مواد مخدر در سطح استان ایلام نه از یک مدار بلکه از طریق توجه و اهتمام نظری و عملی به عرصه‌ها و مدارهای مختلف فرهنگی و فرافرهنگی است. تعهد اجتماعی هر یک از کنشگران مورد نظر برای ایفای نقش سازنده خود، می‌تواند ما را به ایجاد سلامت اجتماعی پایدار در آینده امیدوارتر سازد.



منابع

- اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). اصول و روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی و شیوه‌ها، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایدر، نبی‌الله و همکاران. (۱۳۹۱). تبیین جامعه‌شناختی گرایش به اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان مرد هندیجانی و ارائه راهکارهای پیشگیری از آن، دانش انتظامی خوزستان، دوره اول، شماره ۲.
- بابایی، انسیه و همکاران. (۱۳۹۸). عوامل مرتبط با هویت یابی دانش‌آموزان دوره متوسطه استان مازندران، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۱۷ شماره سوم.
- بحرینی بروجنی، مجید و همکاران. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی چهار روش آموزش پیشگیری از سوء مصرف مواد بر تغییر نگرش به اعتیاد و مواد مخدر در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه، دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، دوره ۱۶، شماره ۲.
- برگر، پیتر؛ برگر، بریجیت و کلنر، هانسفرید. (۱۳۸۱). ذهن بی خانمان: (نوسازی و آگاهی)، ترجمه: محمد ساوجی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- برگر، پیتر و توماس لاکمن. (۱۳۷۵). ساخت واقعیت اجتماعی، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- بروس کوئن. (۱۳۸۵). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.
- بوستانی و خواجه دولت‌آباد. (۱۳۹۳). از نمایی بسترهای تسهیل‌کننده مصرف مواد مخدر در دانشجویان (تحقیقی کیفی درباب دانشجویان مبتلا به اعتیاد در دانشگاه شهید باهنر کرمان)، مطالعات اجتماعی ایران، دوره هشتم، شماره ۲.
- بهراد، بهنام. (۱۳۹۴). پیشگیری مبتنی بر مدرسه؛ بهترین راهبرد برای پیشگیری از اعتیاد، سلامت اجتماعی و اعتیاد، پاییز، شماره ۷.
- بی‌نام. (۱۳۹۲). تأثیر شناسایی کانون‌های جرم و تأثیر آن بر پیشگیری از جرائم مواد مخدر در شهر بیرجند در سال ۱۳۹۲، سال، شماره ۲۲.
- پرویزی و همکاران. اعتیاد از نگاه نوجوانان: یک پژوهش کیفی، اندیشه و رفتار، سال دهم، شماره ۳.
- پیمایش وضعیت مسائل و آسیب‌های اجتماعی. (۱۳۹۴). استان ایلام، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

اعتیاد به متابه مواجهه مخاطره‌آمیز نوجوانی با ... ۱۸۹

- جمالی، اختر و قربانی، مجید. (۱۳۸۷)، مدل پیشنهادی آموزش پیشگیری از اعتیاد در مدارس از نظر دانش‌آموزان و معلمان کشور، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۹.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). **هویت اجتماعی**، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- حاج باقری، محسن و دیگران. (۱۳۸۶)، **روش‌های تحقیق کیفی**، تهران، نشر نی.
- حایری کیا، علی و روشنای، علی. (۱۳۹۴)، گونه‌شناسی نگرش خانواده‌ها نسبت به علل گرایش به مصرف مواد مخدر و راه‌های پیشگیری از آن (شهرآشتیان)، **فصلنامه دانش انتظامی مرکزی**، دوره سال پنجم شماره ۲.
- حسن‌زاده، حبیب‌الله. (۱۳۹۰)، تحلیل نقش سازمان‌های اجتماع‌محور در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر، **دانش انتظامی کردستان**، سال دوم، شماره ۸.
- خستو، گل‌آرا. (۱۳۸۱)، پیشگیری از سوء مصرف مواد و وابستگی با رویکرد اجتماع‌محور، رفاه اجتماعی، شماره ۶.
- داوری، محمد و عطوفی‌نیا، مسعود. (۱۳۹۴)، دینداری و پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر با تأکید بر تعالیم اسلام، **فصلنامه دانش انتظامی قم**، دوره دوم تابستان شماره ۵.
- ذکایی، محمدسعید و خطیبی، فاخره. (۱۳۸۵)، اینترنت و تغییرات هویتی پژوهشی در میان کاربران جوان حرفه‌ای، **مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۷.
- ذوالفقاری و همکاران. (۱۳۹۵)، اثر بخشی شیوه‌های کنترل مرز در پیشگیری از ورود مواد مخدر (مطالعه موردی مرزهای استان خراسان جنوبی)، **پژوهش‌نامه مطالعات مرزی**، سال چهارم، شماره اول.
- رایبگتن، ارل و واینبرگ، مارتین. (۱۳۸۲)، **رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی**، ترجمه: رحمت‌اله صدیق سروستانی دانشگاه تهران، چاپ اول.
- رجایی، علیرضا و بیاضی، محمدحسین. (۱۳۸۵)، تأثیر یک برنامه آموزشی را بر افزایش عزت نفس، نگرش، گرایش و آگاهی نوجوانان در سوء مصرف مواد، **دانش و پژوهش در روانشناسی**، شماره ۳۰.
- رحیمی و همکاران. (۱۳۹۰)، بررسی سرمایه اجتماعی با تأکید بر نقش سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری از اعتیاد، **پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی**، دوره ۱، شماره ۴.
- رسولی، فاطمه. (۱۳۹۰)، نقش آموزش کنترل خشم در مقاوم‌سازی نوجوانان در برابر اعتیاد و سوء مصرف مواد، **پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی**، دوره دوم، شماره ۱۴.

- رضوی، سیدحمید. (۱۳۹۰)، پیشگیری از استعمال مواد مخدر را در آموزه‌های اسلامی: با نگرش بر پیشگیری از استعمال مواد مخدر، فصلنامه مطالعات انتظامی شرق، پیش شماره، مهر.
- رفاهی، سیدعلی اکبر و همکاران. (۱۳۹۴)، بررسی میزان آگاهی و نگرش کارکنان نظامی در پیشگیری از اعتیاد با ارائه الگوی مناسب، پرستار و پزشکی در رزم، سال سوم، شماره ۷.
- زراعتی ایدهلو، رقیه و رایزن، معصومه. (۱۳۹۲)، نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر در دبیرستان‌های پسرانه شهرستان بوشهر سال تحصیلی ۸۸-۸۹، اصلاح و تربیت، شماره ۱۳۶.
- سراج‌زاده، سیدحسین و عزیززاده، امید. (۱۳۹۳)، بساخت اجتماعی مصرف مواد مخدر و اعتیاد در شهرستان رودبار جنوب، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۲.
- شایگان، فریبا. (۱۳۸۹)، مشارکت زنان در پیشگیری از مصرف مواد مخدر، فصلنامه علمی-پژوهشی دانش انتظامی، شماره ۴۸.
- شایگان، فریبا. (۱۳۹۰) خانواده و پیشگیری از اعتیاد، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره ۱۸.
- صلحی، مهناز و ابوالفتحی، میترا. (۱۳۹۲)، تأثیر آموزش پیشگیری از اعتیاد را از طریق الگوی اعتقاد سلامتی بر آگاهی و درک دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های ساوه، آموزش و بهداشت و ارتقای سلامت، سال اول، شماره ۲.
- عبدالهی، اسماعیل و مشتاقی، هدی. (۱۳۹۳)، بررسی پیشگیری اجتماعی در کاهش سوء مصرف مواد مخدر در استان بوشهر، دانش انتظامی بوشهر، سال سوم، شماره ۸.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- علی‌مردانی، اکرم و احتشامی، علی. (۱۳۹۰)، بررسی اعتیاد در نزد دختران نوجوان و نقش آموزشی پلیس زن برای پیشگیری از آن، نشریه پلیس زن، سال پنجم، شماره ۱۵.
- فتحی و همکاران. (۱۳۹۴)، بررسی نقش عملکرد خانواده در پیشگیری از گرایش به اعتیاد نوجوانان و جوانان شهر تبریز، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال پنجم، شماره سوم.
- فرخی، میثم و شهبازی، امین. (۱۳۹۶) مطالعه کیفی تجربه زیسته اعتیاد به ماریجوانا در میان دانشجویان شهر تهران، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۸، شماره ۲.

اعتیاد به متابه مواجهه مخاطره‌آمیز نوجوانی با ... ۱۹۱

- فسایی، سهیلا و جهاندار. (۱۳۹۸)، واکاوی علل و پیامدهای اعتیاد زنان: یک مطالعه کیفی، **دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده**، دوره ۸، شماره ۱.
- فیروزآبادی، احمد و صادقی، علیرضا. (۱۳۹۲)، **طرد اجتماعی (رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت)**. تهران. جامعه‌شناسان.
- قربانی، حسین. (۱۳۸۴)، نقش مذهب در پیشگیری از اعتیاد، **اصلاح و تربیت**، شماره ۴۴.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۲)، **عصر اطلاعات، قدرت، هویت**، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸)، **تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۱)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لوزیک، دنیلین. (۱۳۹۳)، **نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی**، ترجمه: سعید معیذفر، انتشارات امیرکبیر.
- لیاقت، غلامعلی. (۱۳۸۳)، نقش مدرسه، والدین و محیط اجتماعی در پیشگیری از اعتیاد، **تعلیم و تربیت**، شماره ۷۹.
- مارشال، کاترین و راسمن، گرچن. (۱۳۷۷)، **روش تحقیق کیفی**، ترجمه: علی پارساییان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مبارکی، محمد. (۱۳۸۳)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد** دانشگاه شهید بهشتی دانشگاه تهران.
- محمدخانی و اسدی. (۱۳۹۰)، بررسی شیوع و عوامل جمعیت‌شناختی مرتبط با مصرف مواد مخدر و ارائه راهکارهای پیشگیرانه روانشناختی و انتظامی، **دانش انتظامی**، سال دوم، شماره ۶.
- محمدی، سهیلا. (۱۳۹۴)، مطالعه نقش آگاهی از علل و اثرات اعتیاد در پیشگیری اولیه (با تأکید بر جایگاه دانشگاه در آموزش و پیشگیری اولیه، **مطالعات پیشگیری از جرم**، سال ۱۱، شماره ۳۴.
- محمدی، سهیلا و همکاران. (۱۳۹۳)، بررسی میزان آگاهی دانشجویان از علل و اثرات سوء اعتیاد و نقش دانشگاه در آموزش و پیشگیری از اعتیاد در شهر مشهد، **دانش انتظامی خراسان رضوی**، **نمایه شده در پایگاه نشریات ناجا**.
- مدبرنیا و همکاران (۱۳۹۲)، اعتیاد به مواد مخدر در افراد ۱۵ تا ۳۰ سال: یک مطالعه کیفی، **مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان**، دوره ۲۲، شماره ۸۷.

- مسعودی فرید، حبیب‌الله و همکاران. (۱۳۹۳)، نقش رسانه در پیشگیری از اعتیاد: چالش‌ها و راهکارها، سلامت اجتماعی و اعتیاد، شماره ۱.
- مشوق، مهرداد و همکاران. (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر کنترل مطلوب نوار مرز در کاهش ترانزیت مواد مخدر در شهرستان زابل، فصلنامه دانش انتظامی استان سیستان و بلوچستان، سال هفتم، شماره ۱۸.
- مشونیس، جان. (۱۳۹۵)، مسائل اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران، پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات.
- نظری، سید امیر. (۱۳۹۳)، نقش اعتقادات مذهبی در کاهش سوء مصرف مواد مخدر در خانواده، نمایه شده در پایگاه نشریات ناجا.
- نوروزی، علی و همکاران. (۱۳۸۵)، بررسی میزان اثربخشی آموزش اصول اخلاقی و انسانی در پیشگیری از اعتیاد و رابطه آن با روش‌های موجود دیگر، علوم انسانی (دانشگاه امام حسین)، شماره ۶۶.
- نیک بخش، بهرام. (۱۳۹۳)، روش‌های پیشگیری از اعتیاد با تأکید بر مقوله ورزش از منظر جامعه‌شناختی، سلامت اجتماعی و اعتیاد، شماره ۲.
- ولدبیگی، اقبال و انتظامی، علی. (۱۳۹۲)، وضعیت برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان را با رویکرد مددکاری اجتماعی، پژوهش اجتماعی، سال ۵، شماره ۲۰.
- یونسی، جلال و محمدی، محمدرضا. (۱۳۸۵)، استفاده از رویکرد نشر اطلاعات در برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد در میان نوجوانان، دانشور رفتار، شماره ۱۶.
- Johnson, Allan (1995), *The Blackwell Dictionary of Sociology*. Oxford: Blackwell.
- Marcia, J.E. (1966). Developmental and validation of ego identity status. *Journal of Personality, and Social Psychology*, 3, 551-558.